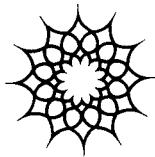


داستان پیامبران

در کلیات شمس

شرح و تفسیر عرفانی داستانها در غزلهای مولو

دکتر تقی پورنامداریان



مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

تهران ۱۳۶۴

یادداشت از خوانندگان محترم تقاضا دارم به چند نکته زیر توجه فرمایند:

۱- از تکرار پاره‌ای از مطالب کتاب «رمز و داستانهای رمزی» در قسمتی از پیشگفتار کتاب حاضر پوزش می‌طلبم. سبب آن است که هنگام نوشتن پیشگفتار این کتاب، کتاب «رمز و داستانهای رمزی» نه چاپ شده بود و نه گمان می‌بردم که قبل از کتاب حاضر منتشر شود.

۲- ابیاتی که از مثنوی در ص ۳۹۳ نقل شده است، باید مأخذ آن در پاورقی داده می‌شد که اشتهاً در پایان ابیات و به صورت (۴/۳۹۳) در متن آمده است. منظور دفتر چهارم مثنوی ص ۳۹۳ است.

۳- قبل از مطالعه کتاب حتماً غلطهای چاپی فاحش زیر را اصلاح بفرمایید.

صفحه و سطر	غلط	درست
۱۱/۷۰	ابتدا دریا را عبارت	ابتدا دریا را در عبارت
۸/۷۵	دریا بتوان عنوان عنصری	دریا بتوان عنصری
۲۱/۷۵	c, b, a	$\acute{c}, \acute{b}, \acute{a}$
۲۶/۷۵	$\acute{c}, \acute{b}, \acute{a}$	c, b, a
۱/۷۶	عناصر اصلی و معنی ساز A:	عناصر اصلی و معنی ساز A: c, b, a
۲/۷۶	عناصر اصلی و معنی ساز \acute{A} :	عناصر اصلی و معنی ساز \acute{A} : $\acute{c}, \acute{b}, \acute{a}$
۴/۷۶	$c : a, b :: \acute{c} : \acute{a}, \acute{b}$ و $\acute{c} : \acute{a}, \acute{b} :: b : a, c$	$a : b, c :: \acute{a} : \acute{b}, \acute{c}$ و $b : a, c :: \acute{b} : \acute{a}, \acute{c}$
	(بخوانید: نسبت a به b ، c مانند نسبت \acute{a} به \acute{b} ، \acute{c} و نسبت b به c ، a مانند نسبت \acute{b} به \acute{a} ، \acute{c} و ...)	
۱۷/۷۶	حاصل و لحظه‌های	حاصل لحظه‌های
۴/۷۸	وضع امور از	وضع امور را
۹۷ / پانوشت س ۵	ولا	دلا
۹۷ / پانوشت س ۵	کیست	کنیست
۱۰۰ / پانوشت س ۳	enargement	enlargement
۱۰۰ / پانوشت س ۳	برای تفصیل	برای تفصیل ←

Symbols	Sycbols	۱۰۹ / پانوش
ملعونى كه بر آدم	ملعونى كه برندم	۱۲۷ / سطر آخر
بز ديوى	بر ديوى	۲۴ / ۱۲۸
مرا از پهلو	مرا از پهلو	۱۱ / ۱۳۲
بُرست	بُرست	۱۳۹ / سطر آخر
... كج باطن، تعلقات	... كج باطن تعلقات	۳ / ۱۷۴
... ارخليل بنهد برگردنت / روبمگردان	... ارخليل برگردنت / روبگردان	۳ / ۱۹۹
چون چند روز برآمد، مادر ابراهيم	چون ما چند روز برآمد، در ابراهيم	۱۰ / ۱۹۹
چون دل آينه وار	چون دل و آينه وار	۱۳ / ۲۰۲
اولاد	اودلا	۸ / ۲۱۳
لايحتمعان	لايجماعان	۱۲ / ۲۲۰
صفات جمالى	صفات حمالى	۲۳ / ۲۲۲
دوزخ	دوخ	۱۲ / ۲۲۴
خليل	خلل	۸ / ۲۲۵
نوروزرجا	نوووزرجا	۲۰ / ۲۴۰
جمله	حمله	۱۷ / ۳۴۹
هزاران	هزران	۷ / ۳۹۸
نعره زنان	نعر زنان	۹ و ۸ / ۴۰۶
عذاب پيدا	عذاب پيد	۱۰ / ۴۰۷
عيسى	عيسى	۲۲ / ۴۱۸
خوش دمى	خودش دمى	۴۲۳ / سطر آخر
زان حب كم از-	زان حب آيى	۲۱ / ۴۲۵
مرادش ... به آ-	مدادش ... بهاخر	۱۴ / ۴۴۹
حوريند	جوريند	۱۶ / ۴۶۹
قسمت دوم	دو قسمت دوم	۲۲ / ۴۸۰

فهرست

۱	هدفها و شیوه نگارش و تدوین
۳	پیشگفتار
۵	۱. اشاره به داستان پیامبران : تلمیح
۷	۲. داستان پیامبران در شعر درباری
۲۷	۳. داستان پیامبران در شعر مذهبی و عرفانی
۵۵	۴. داستان پیامبران در مثنوی مولوی
۹۷	۵. زمینه‌های رمز و تأویل در کلیات شمس
۱۱۵	۶. وسعت و تنوع داستان پیامبران در کلیات شمس
۱۲۵	۱. آدم
۱۷۹	۲. ابراهیم، خلیل الله
۲۴۵	۳. ادریس
۲۵۱	۴. ایوب
۲۶۵	۵. جرجیس
۲۷۱	۶. خضر و الیاس
۳۳۳	۷. داود
۳۴۵	۸. سلیمان
۴۰۵	۹. صالح
۴۱۱	۱۰. عیسی
۴۸۵	۱۱. لوط
۴۸۹	فهرست تفصیلی

چونکه در قرآن حق بگریختی
با روان انبیا آمیختی
هست قرآن حالهای انبیا
ماهیان بحر پاک کبریا

مثنوی، دفتر اول، ابیات ۱۵۳۷ و ۱۵۳۸

هدفها و شیوه نگارش و تدوین

مقصود از این تحقیق فراهم آوردن کتابی بوده است که گذشته از نشان دادن جلوه‌های متنوع و گسترده یکی از مایه‌های معارف اسلامی در ادب فارسی، پاسخگوی نیازهای ادبی زیر باشد:

- ۱- حل مشکلات دیوان کبیر یا کلیات شمس در حوزه تلمیح به داستان پیامبران؛
 - ۲- تفسیر معانی عرفانی و مجازی تلمیحات در مواردی که تنها معنی حقیقی و ظاهری آنها مورد نظر نیست؛
- با تنوع و گستردگی مایه‌های تلمیحی در کلیات شمس، بهتر دیدم که در تدوین مطالب شیوه‌ای انتخاب شود که علاوه بر رفع نیازهای فوق، کتاب بتواند دو فایده دیگر را نیز دارا باشد:

الف) همچون مرجعی بتوان با مراجعه به آن، اغلب مشکلات دیگر دیوانهای شعر فارسی و نیز بعضی آثار غیر شعری را در حوزه تلمیح به داستان پیامبران به آسانی حل کرد. ب) بتوان تصویرهای متنوع و شواهد شعری متعدد را درباره هر یک از جنبه‌های مختلف داستان پیامبران و مایه‌های تلمیحی مورد نظر، از روی آن به آسانی پیدا کرد. برای سهولت استفاده از کتاب، در جهت برآوردن نیازهای فوق، در نوشتن و تدوین مطالب، ترتیب زیر اتخاذ شد:

— داستان پیامبران در طرح کلی کتاب برحسب نام پیامبران، به ترتیب حروف الفبا (آدم، ابراهیم، ادریس...) آمده است.

— هر داستان شامل دو بخش مجزا است: بخش اول شامل نقل کلیه شواهد به تفکیک موضوع، و شرح و توضیح هر گروه از شواهد هم موضوع، با مراجعه به قرآن کریم و تفاسیر است. بنابراین، این بخش شامل توضیح تلمیحات است.

بخش دوم، تفسیر داستان است. در این بخش ابیاتی که معنی آن با توضیح اشاره‌های داستانی روشن نمی‌شود و معنی مجازی و رمزی دارد، به ترتیبی که در بخش اول آمده

است، مطرح می شود و با استفاده از دیگر آثار مولوی، بخصوص مثنوی، و نیز آثار عرفانی منظوم و منثور دیگر، اغلب متعلق به زمانهای پیش از مولوی، تفسیر می گردد. در این تفسیرها سعی بر آن است که، با استفاده از شواهد متعدد هم در زمینه فکر و هم در زمینه تصویر، خواننده در حال و هوای ذهنی مولوی قرار گیرد، تا ضمن قبول تفسیرهای مطرح شده به منزله یکی از تفسیرهای ممکن، باب امکان تفسیرهای دیگر و ورود به باطن شعر بر او گشوده گردد.

در بخش اول هر داستان، در ذیل عنوان اصلی «داستان...»، خلاصه ای موجز در باره پیامبری که داستان به نام اوست می آید، به حوادث برجسته زندگی او اشاره می شود، و ابیاتی که در آن نام پیامبر بدون اشاره ای به هیچ حادثه برجسته آمده است نقل می گردد. بعد عنوانهای فرعی می آید. ابتدا نام شخصیتها و بعد حیوانات و پرندگان، و بعد اشیاء و مکانها؛ و بالاخره بعضی از حوادث که به نحوی با زندگی پیامبر مربوط است مطرح می شود. در هر یک از این قسمتها سعی شده است ترتیب الفبایی رعایت گردد. در ذیل هر عنوان کلیه ابیات یا شواهدی که با عنوان بنوعی مربوط می گردد نقل و جلد و صفحه کتاب در زیر هر شاهد ذکر می شود. پس از نقل کلیه شواهد — که از نظر مضمون و مایه تلمیحی با هم مشابه و از مصادیق عنوان شمرده می شوند — با استفاده از قرآن و تفاسیر، توضیح لازم که روشن کننده مایه تلمیحی مشترک همه ابیات و نیز دیگر اشاره های ویژه بعضی از ابیات است نقل می گردد.

در بخش دوم نیز عنوانهای فرعی ابتدا شامل شخصیتها و بعد حیوانات و پرندگان و بعد اشیاء و مکانهاست. عنوان اصلی و کلی این بخش «تفسیر داستان...» است. عنوانهای فرعی معمولاً شامل آن قسمت از عنوانهای بخش اول است که دارای معنی مجازی اند و مورد تفسیر قرار گرفته اند.

در تفسیر داستانها، معمولاً بعضی از ابیات و شواهد تلمیحی نقل شده در قسمت اول، بمناسبت، دوباره نقل شده است. از این تکرار گزیری نبوده است. شیوه ای که در ترتیب نوشتن مطالب اتخاذ شده است، در ارتباط با هدفها و فواید این تحقیق از شیوه های ممکن دیگر بهتر به نظر رسید.

در پایان، لازم می داند از یاری دو تن از پژوهشگران، آقایان دکتر افتخار جوادی و دکتر جاویدی صباغیان، که در آغاز کار، در استخراج قسمتی از تلمیحات کلیات شمس اینجاناب را یاری کرده اند، و نیز از آقای احمد سمیعی، که ذوق و دانش و دقت نظر ایشان سبب آرایش این نوشته و پیرایش آن از پاره ای لغزشها شده است، تشکر کند.

پیشگفتار

هُوَ اللَّطِيفُ

۱. اشاره به داستان پیامبران: تلمیح

اشاره به داستانهای مشهور و از جمله اساطیر و داستانهای پیامبران را در کتابهای بلاغت، تلمیح نام نهاده‌اند. در کتابهای ترجمان البلاغة رادو یانی (نیمه دوم قرن پنجم هجری) و حدائق السحر رشید و طواط (متوفی ۵۷۳ هـ) از این صنعت نامی به میان نیامده است. شمس قیس رازی (متوفی ۶۲۸ هـ) به جای تعریف تلمیح بیشتر به فایده آن در حوزه علم معانی نظر دارد و می‌گوید: «تلمیح آن است که الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند؛ و لَمَحَ جَسْتَنَ بَرَقَ باشد و لَمَحَ یک نظر بود؛ و چون شاعر چنان سازد که الفاظ اندک او بر معانی بسیار دلالت کند آن را تلمیح خوانند؛ و این صفت به نزدیک بلغا پسندیده‌تر از اطناب. و معنی بلاغت آن است که آنچه در ضمیر باشد به لفظی اندک، بی آنکه به تمام معنی آن اخلالی راه یابد، بیان کند.»^۱

پیدا است که با در نظر گرفتن معنیهای لغوی «تلمیح» — که از جمله: نمودن و آشکار کردن، نگاه سبک به سوی چیزی کردن، و اشاره کردن به چیزی است — اشاره‌ای گذرا در شعر یا نثر به داستانی مشهور، که یادآور ماجرای کوتاه یا بلند باشد، نیز در شمار ایجاز در کلام محسوب می‌شود. این اشاره گذرا را جرجانی در تعریف تلمیح با آوردن قید «عدم تصریح» متذکر می‌گردد و می‌نویسد: «التلمیح وهو أن يُشارَفِي فحوى الكلام إلى قصة أو شعرٍ من غير أن تُذكر صريحاً.»^۲ صاحب الطراز نیز در قرن هشتم، پس از ذکر معنی لغوی «تلمیح»، آن را از انواع صنایع بدیعی شمرده و ضمن دادن تعریف کاملتری از این اصطلاح، قید سبک بودن و گذرا بودن این اشاره را به نحوی دیگر یادآور شده است: «... وفي مصطلح علماء البيان هو أن يُشير المتكلم في أثناء كلامه ومعطفٍ شعره أو خطبه إلى مثلٍ سائرٍ أو شعرٍ نادرٍ

(۱) المعجم، ص ۳۷۷. (۲) التعريفات، ص ۶۹. همان تعریف با اختلافی در لفظ در کتابهای دیگر بلاغی دیگر آمده است:

— الايضاح، ج ۲ ص ۴۲۶.

— شرح المختصر، ص ۲۲۳.

اوقصة مشهورة فيلمحها فيوردها لتكون علامة في كلامه وكالشامة في نظامه.»^۳
 بنابراین تلمیح به عنوان یکی از صنایع بدیعی، عبارت از اشاره کردن به مثل سائریا
 شعر نادریا داستان مشهوری در ضمن کلام است. در این تحقیق، کلام غزلیات مولوی است
 و تلمیح محدود به اشاره‌هایی است که در این غزلها به داستان پیامبران رفته است.